صهیونیست‌ها در تحولات اخیر نزدیک به ۵۰ خبرنگار را کشته‌اند

انتقام از رسانه به افق تل‌آویو

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

با شهادت احمد فطیمه تعداد خبرنگاران شهید در نوار غزه طی پنج هفته‌ای که از عملیات طوفان الاقصی می‌گذرد به ۵۰ نفر رسید. بنابر گزارش فلسطین‌الیوم این آمار معادل چهار درصد تعداد کل خبرنگاران فعال در نوار غزه است. این عدد زمانی بهتر درک می‌شود که بدانیم از سال ۲۰۰۰ تا قبل از اجرای عملیات طوفان الاقصی ۵۵ خبرنگار فلسطینی در جریان پوشش خبری حوادث و رخدادها به ضرب گلوله نظامیان اسرائیلی کشته شدند که آخرین نمونه آن شهید غفران وراسنه و قبل از او نیز شهید شیرین ابوعاقله، خبرنگار الجزیره بود که در اردوگاه جنین به ضرب گلوله نظامیان صهیونیست شهید شد. مطابق گزارش انجمن آمریکایی ضدجریان‌ها (Counter currents) رژیم صهیونیستی تا قبل از جنگ فعلی غزه با آمار ۷۳،۴ برابر بیشتر از میانگین قتل خبرنگاران در سرتاسر جهان با فاصله بسیار زیادی در صدر تمامی کشورهایی که شاهد جنگ و جنایت هستند یا گروه‌های مافیایی و قاچاقچیان مواد مخدر در آنها فعالیت دارند، قرار داشت. اگر تعداد شهدای خبرنگار در سال ۲۰۲۳ را نیز به این آمار اضافه کنیم این نسبت می‌شود حدود ۱۴۰ برابر. اسرائیل همزمان با آنکه به طور هدفمند دفاتر پایگاه‌های خبری در غزه را هدف قرار می‌دهد دفاتر رسانه‌های غیرهمسو با سیاست‌های اسرائیل همچون الجزیره و المیادین را نیز تعطیل می‌کند تا در راستای انعکاس صدای مردم غزه تمام تلاشش را کرده باشد.

تصویر تزویر

نظام‌های سرمایه‌داری بر سه پایه پول، خشونت و رسانه استوارند. در این فضا رسانه کارکردی تزویری دارد و در چهارچوبی به آن اجازه فعالیت داده می‌شود که بتواند خشونت و سرمایه‌داری را توجیه کند در غیر این صورت به‌نحو شدیدی با آن برخورد می‌شود. اگر رسانه چنین کارکردی نداشته باشد سرمایه‌سالارهای خشونت‌طلب نیز الزامی به حفظ آن ندیده و همچون رژیم صهیونیستی به صورت کاملا علنی دستور به توقف فعالیت می‌دهند. رژیم صهیونیستی برای اینکه بتواند مساله عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی را پیش ببرد قبل از هر چیزی باید جوامع عربی را نسبت به موجودیت خود به‌عنوان یک واقعیت انکارناپذیر اقناع کرده و همزمان حملات وحشیانه خود به مناطقی همچون نوار غزه را توجیه کند. حضور دفاتر رسانه‌های عربی در خاک این رژیم نیز در همین چهارچوب قابل تعریف است اما زمانی که این رسانه‌ها ساز مخالف زده و با صدایی بلند بخواهند جنایات صهیونیست‌ها را تشریح کنند رژیم صهیونیستی گزینه‌ای جز خاموشی پیش رویشان قرار نمی‌دهد. اتفاقی که پیش از این برای شبکه الجزیره رخ داد. اوج فعالیت این شبکه تولید مستندی بود که به لحاظ فنی نقش رژیم صهیونیستی در جنایت بیمارستان المعمدانی را اثبات می‌کرد. وزارت ارتباطات رژیم صهیونیستی در بیانیه‌ای اعلام کرد براساس دستورات بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و شلومو کرعی، وزیر ارتباطات و با تایید موساد، شاباک و وزارت جنگ و موافقت مشاور قضایی دولت امروز کابینه با توقف فعالیت شبکه الجزیره در دوره جنگ غزه موافقت کرد. بستن شبکه الجزیره به این دلیل است که این شبکه به دشمن کمک می‌کند و تبلیغاتی را در خدمت به حماس به زبان عربی و انگلیسی برای دنبال‌کنندگان این شبکه در سرتاسر جهان ارائه می‌دهد. همچنین اطلاعات حساسی را به دشمنان ما منتقل می‌کند. اسرائیل در جنگ است و ما به هیچ‌وجه اجازه پخش گزارش‌هایی را که به امنیت‌مان لطمه می‌زند، نمی‌دهیم. در جدیدترین نمونه هم رژیم صهیونیستی تصمیم گرفت پخش شبکه المیادین لبنان را به اتهام ضرر به امنیت این رژیم متوقف و فعالیت آن را در سرزمین‌های اشغالی ممنوع کند. «شلومو کاری»، وزیر ارتباطات و «یوآو گالانت»، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی با انتشار بیانیه مشترکی از این تصمیم خبر دادند. در این بیانیه آمده است: «این تصمیم براساس فوریت‌های مندرج در مصوبه‌های دولت برای جلوگیری از آسیب رساندن به امنیت کشور از سوی دستگاه‌های پخش خارجی و پس از موافقت کلیه نهادهای امنیتی و تایید وجود آسیب عملی به امنیت توسط گالانت اتخاذ شده است.» طبق این بیانیه، شورای سیاسی و امنیتی کابینه شب گذشته (یکشنبه) با پیشنهاد وزیر ارتباطات اسرائیل مبنی بر صدور دستورالعمل برای انجام اقدامات دائمی علیه شبکه المیادین موافقت کرد. این تعطیلی نشان داد که فعالیت آزاد رسانه‌ها در دولت‌های غربی صرفا تا زمانی کارکرد دارد که یا برخلاف منافع آنها نباشد یا صدایش ضعیف و پایین باشد تا اثر اجتماعی منفی در هویت این رژیم نگذارد. مشابه این رویکرد را پیش از این شرکت متا با اعمال فیلتر هوشمند روی شبکه‌های اجتماعی توییتر و اینستاگرام در پیش گرفته بود تا هم متهم به سانسور نشود و هم جلوی موج مخالفت با رژیم صهیونیستی را بگیرد. لو رفتن این ترفند نهایتا باعث عذرخواهی این شرکت و توجیه اشتباه فنی شد.

رژیم صهیونیستی در بحران غزه هویت اساطیری‌اش را باخت

رژیم صهیونیستی برای اینکه بتواند هویت اشغالگر خود را توجیه کرده و واکنش منفی افکار عمومی را از بین ببرد سرمایه‌گذاری بسیاری بر بازتاب ادعای هولوکاست و نسل‌کشی یهودیان داشته و این ادعا را به هر نحوی تبلیغ می‌کند. این هویت اما تمام نیاز رژیم صهیونیستی را تکمیل نمی‌کند. از آنجایی که ماجرای هولوکاست فارغ از دوز واقعیتش هیچ نسبتی با جهان اسلام ندارد تحمیل هزینه‌های آن به مردم فلسطین برای مسلمانان توجیه‌ناپذیر است. لذا طبیعی است که به مخالفت با آن برخاسته و مسیر تقابل با آن را در پیش بگیرند. رژیم صهیونیستی برای مهار این تقابل نیاز به ساختن یک هویت شکست‌ناپذیر از خود دارد؛ هویتی که برای تداوم حیات آنها بسیار ضروری‌تر هویت نخست یعنی مظلومیت دارد. اسطوره شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی در برابر تهاجم خارجی از سال ۱۹۸۲ که مجبور به ترک صحرای سینا شدند ذره‌ذره آب رفت تا اینکه در جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله لبنان ضربه کاری و سختی به آن وارد شد. با این وجود صهیونیست‌ها امید داشتند که با ارائه تصویری از خود که نشان‌دهنده مهار تمام گروه‌های مقاومت فلسطینی است این پیام را بدهند در فضای داخلی شکست‌ناپذیر بوده و موجودیت‌شان باید به‌عنوان یک واقعیت انکارناپذیر پذیرفته شود. خروجی این پیام اقناع بسیاری از دولت‌های عربی به عادی‌سازی روابط با این رژیم بود. حرکت سریع کشورهای عربی ازجمله عربستان سعودی به سمت عادی‌سازی، گروه‌های مقاومت را به این جمع‌بندی رساند که تصویر شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی در برابر نیروهای مقاومت را مخدوش کرده و این اسطوره برساخته شده را نابود کنند. عملیات طوفان الاقصی این تصویر شکست‌ناپذیر را از بین برد. از ۷ اکتبر رژیم صهیونیستی تمام تلاش خود را به کار گرفته تا بتواند با ایجاد یک پیروزی ساختگی این اسطوره را احیا کند. عدم موفقیت در این اقدام اما باعث شده تا رژیم صهیونیستی انگاره مظلومیت را نیز قربانی کند. تمام آنچه در مورد هولوکاست نوشته شده است را رژیم با انداختن بمب‌های فسفری بر سر مردم به تصویر کشیده است. اجتماعات چند صد هزار نفری در خیابان‌های لندن و برلین و پاریس نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی بعد از نابودی وجهه شکست‌ناپذیرش در ۷ اکتبر، وجهه مظلومیتش را نیز در پس ۷ اکتبر از دست داده است. رژیم که رسانه را ابزاری برای هویت‌سازی می‌داند بعد از نابودی اسطوره‌های ساختگی مظلومیت و شکست‌ناپذیری راه بستن رسانه‌ها و کشتار هدفمند خبرنگاران را در پیش گرفته تا جلوی حرکت موج رسانه‌ای ضد خود را بگیرد.

شلیک مستقیم به قلب رسانه

برخی ممکن است آمار بالای شهدای خبرنگار در غزه را با این تصور که همه آنها در بمباران هوایی کشته شده‌اند توجیه کرده و این پاسخ را بدهند که بمب و موشک فرقی بین خبرنگار و غیرخبرنگار قائل نیست. کشته شدن تعدادی زیادی از خبرنگاران که با شلیک مستقیم گلوله کشته شده‌اند اما این تصور را از بین می‌برد، خبرنگارانی که معمولا با لباسی مشخص که روی آن عبارت «press» درج شده است در صحنه حاضر می‌شوند. از مجموع ۳۲ خبرنگار کشته شده توسط نیروهای رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۰۰ تا قبل از عملیات ۷ اکتبر به غیر از شیرین ابوعاقله، ۱۵ نفر دیگر با شلیک مستقیم جان‌شان را از دست داده‌اند. به این موارد می‌توان حملات موشکی هدفمند و بمباران دفاتر رسانه‌های حاضر در نوار غزه را نیز افزود؛ اتفاقی که در جنگ جاری غزه شدت یافته است. مدیر شبکه «فلسطین الیوم» درباره شرایط خبرنگاران و رسانه‌های فعال در فلسطین در گفت‌وگویی توضیح داده است که فعالان رسانه‌ای و حتی ساختمان رسانه‌ها در فلسطین مکررا مورد حمله اشغالگران صهیونیست قرار می‌گیرد. ازجمله شبکه «فلسطین الیوم» بارها مورد حمله صهیونیست‌ها قرار گرفته است. سیف‌الدین موعد در مورد بسته شدن دفتر رسانه تحت مدیریتش در کرانه باختری توضیح می‌دهد که نظامیان ارتش رژیم اسرائیل به دفاتر ما در کرانه باختری یورش بردند و مدیر دفتر، خبرنگار و تعدادی از کارکنان را بازداشت کردند و تجهیزات را مصادره و مانع از ادامه کار دفتر در کرانه باختری شدند.

آمار نهادهای بین‌المللی از کشتار خبرنگاران

بنابر ادعای کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران (CPJ) نزدیک به نیمی (۴۵ درصد) از روزنامه‌نگارانی که از سال ۲۰۰۰ در سراسر جهان کشته شده‌اند، در هفت کشور در جنگ جان خود را از دست داده‌اند: عراق، سوریه، افغانستان، سومالی، فلسطین اشغالی و یمن. مطابق این گزارش عراق و سوریه با مجموع ۵۸۲ روزنامه‌نگار کشته شده از سال ۲۰۰۰ در رتبه‌بندی خطرناک‌ترین کشورها برای رسانه‌ها قرار دارند. این دو کشور جنگ‌زده به تنهایی بیش از یک‌سوم از خبرنگاران کشته شده در سراسر جهان را تشکیل می‌دهند. در همین مدت، یعنی از سال ۲۰۰۰ تا قبل از جنگ اخیر غزه ۴۳ روزنامه‌نگار در فلسطین و پنج خبرنگار در اسرائیل کشته شدند. مرگبارترین ماه برای خبرنگاران اما در اکتبر ۲۰۲۳ در غزه بوده است. تاکنون ۵۰ خبرنگار در نبرد غزه کشته شده‌اند که این آمار ۲،۵ برابر تعداد تلفات در یک سال و نیم جنگ روسیه و اوکراین است. در همین راستا جاناتان داگر، رئیس میز خاورمیانه RSF گفته است: «نیروهای مسلح اسرائیل با حملات هوایی خودسرانه خود روزنامه‌نگاران را یکی پس از دیگری بدون هیچ محدودیتی از بین می‌برند، درحالی که اظهارات غیرقابل قبول آنها نشان‌دهنده تحقیر آشکار قوانین بشردوستانه بین‌المللی است.»

رقابت آمریکا و رژیم صهیونیستی در خبرنگارکشی

تهاجم ایالات متحده به عراق جرقه جنگی را زد که به ویژه برای روزنامه‌نگاران مرگبار بود. براساس گزارش کمیته حمایت از روزنامه نگاران (CPJ) از سال ۲۰۰۳ تاکنون ۲۸۳ روزنامه‌نگار در عراق کشته شده‌اند. این تعداد شامل ۱۱ نفر است که در ماه اول جنگ، بین مارس تا آوریل ۲۰۰۳ کشته شدند. جنگ با گروه‌های تکفیری در سوریه در رتبه بعدی به لحاظ تلفات خبرنگاران قرار دارد. اگرچه در اولین ماه جنگ در سال ۲۰۱۱ خبرنگاری در سوریه کشته نشد اما آمار تلفات آن زمان به طور چشمگیری افزایش یافت تا جایی که برخی منابع آمار خبرنگاران کشته شده در این جنگ را حداقل ۲۷۰ نفر اعلام کرده‌اند. این آمار درحالی است که در جنگ ویتنام که دو دهه به طول انجامید ۶۳ خبرنگار و در جنگ جهانی دوم نیز ۶۹ خبرنگار کشته شدند.

خون کدام خبرنگار رنگین‌تر است

زمانی که داعش با بهانه حملات هوایی آمریکا به مواضع خود یک خبرنگار آمریکایی را سر برید باراک اوباما در ویدئویی که از خود منتشر کرد ضمن وحشیانه خواندن این اقدام از مصمم‌تر شدن آمریکا برای حضور در نبرد سوریه گفت. حال بیش از ۹ سال از آن ماجرا می‌گذرد و رژیم صهیونیستی متحد آمریکا در خاورمیانه یک گروه رسانه‌ای را در جنوب لبنان هدف موشک قرار داده است. در نتیجه این اقدام عصام عبدالله عکاس خبری رویترز درحالی که در جریان جنگ ۲۰۲۳ اسرائیل و حماس مشغول تهیه گزارش در جنوب لبنان بود جانش را از دست داد. دو خبرنگار دیگر همراه او نیز در نتیجه این حمله مجروح شدند. این بار نه رئیس جمهور آمریکا موضعی گرفت و نه لشکرکشی به خاورمیانه برای تقابل با جنایت رژیم صهیونیستی صورت گرفت بلکه کاملا برعکس، آمریکا ضمن اعزام کاروان‌های دریایی حامل تسلیحات، هدایت نبرد را نیز در دست گرفته است تا نشان دهد جان خبرنگاران صرفا زمانی ارزش دارد که منافع آمریکا را تامین کند.

این تراژدی طنز نیست

هومن جعفری
خبرنگار

می‌دانی رفیق؟ حتی نوشتن این مطلب هم توهین‌آمیز است! من در امنیت کامل، در یک تحریریه همه چیز تمام، در حالی که هم برق هست و هم به آب و خوراکی دسترسی دارم، بنشینم و ادای خبرنگار متعهد را دربیاورم و از آنهایی یاد کنم که جان‌شان را همین روزها، دو سه هزار کیلومتر دورتر از دست داده‌اند. دقیقا به اندازه فاصله برد یک موشک!

می‌بینی؟ سخت است. نه اینکه سخت باشد ها! فرمول نوشتن مطالب اینچنینی را کاملا بلدم. درست عین یک مثالگلفروش که بلد است هم دسته‌گل عاشقانه درست کند هم دسته‌گل برای مجلس ختم! فرمول و تکنیک دارد و من فرمول نوشتن چنین مطلبی را بلدم. فقط امروز درست به نظر نمی‌رسد که بنشینم از مرگ همکاران نادیده‌ام صحبت کنم. اصلا همین کلمه همکار خودش یک مقدار سوال‌برانگیز است. من تهش چهار تا یادداشت تند نوشته‌ام و تهش چهارنفر هم برایم در اینستاگرام فحشی فرستاده باشند. چطور می‌توانم خودم را همکار کسی بدانم که زیر بمب و آتش و گلوله و خطر مرگ حتمی، در حال تایپ کردن مطلب است؟ انصاف نیست. منطقی هم نیست... ولی خب چه می‌شود کرد؟ بخشی است از کار. نه بخشی از خطرات کار، که بخشی از سختی کار. نوشتن چیزی که صلاحیت اخلاقی برای نوشتن پیرامونش را نداری. پس بیایید برای شهدای روزنامه‌نگار در غزه بنویسیم ولی قبلش یادمان باشد، ما جسارت آنها را نداریم. دست‌کم من ندارم.

۱. تعداد کشته‌های اهالی رسانه در جریان جنگ غزه تا امروز به ۵۰ نفر رسیده. آخرین نفر یک ساعت قبل از نوشتن این مطلب کشته شد. چیزی که حس می‌کنم نوشتن این مطلب را ناعادلانه‌تر می‌کند. من یک ساعت پیش مشغول انتخاب یک سریال برای معرفی کردن بودم. تازه پیش خودم فکر می‌کردم چقدر کارم دشوار است. همان یک ساعت پیش، احمد فطیمه، خبرنگار فلسطینی در غزه بمباران شد. به تصویرش نگاه می‌کنم. جوان، خندان، شاد، احتمالا طرفدار یک تیم فوتبال. احتمالا طرفدار یک خواننده و بازیگر و تماشاگر یک فیلم و سریال معروف. احتمالا همان زندگی که همه ما داریم. داخل تحریریه با بقیه شوخی کنی یا بخندی یا سر فوتبال و سیاست کری بخوانی. چیزی مثل همه روزنامه‌های دنیا. با این تفاوت که این یکی را بمباران کردند. یک هواپیما بلند شد و پرواز کرد و بمب‌هایش را جایی انداخت که پنجاهمین خبرنگار کشته شده جنگ غزه، آنجا زندگی می‌کرد. شاید هم فقط از آنجا رد می‌شد. شاید موشک بود نه بمباران هوایی و شاید موشک و بمب با هم ترکیبی زده بودند. از کجا باید بدانم؟ زنگ بزنم وزارت دفاع اسرائیل؟

- شالوم!

- شالوم علیکم! در خدمتیم!

- از ایران تماس می‌گیرم. روزنامه «فرهیختگان». یکی دو ساعت پیش همکاران‌تان زحمت کشیدند، پنجاهمین خبرنگار جنگ غزه را بمباران کردند. می‌خواستم ببینم اطلاع دقیق دارید که این حمله چطور صورت گرفت؟ موشک پرتابی بود یا بمب هوایی؟ خلبانش مرد بود یا زن؟ اطلاع خاصی داشتید که یک خبرنگار آنجاست یا همین‌طوری موشک را فرستادید آن ور؟

- فرقش چیست؟ کشتیم دیگر.

- دارم مطلبی می‌نویسم. اگر راه دست هست یه‌کم اطلاعات بده.

- گوشی را نگه دار بروم سراغ بچه‌های واحد اطلاعات ببینم چیزی می‌دانند؟

گوشی رفت روی موسیقی ضبط شده. یک خواننده‌ای یک چیزهایی به عبری می‌گفت که بلد نبودم. درنتیجه نمی‌توانم ترجمه دقیقی از متن آهنگ بدهم. موسیقی قطع شد. اپراتور بعدی جواب داد: شالوم علیکم! امرتان؟

- شالوم! برای همکار محترم‌تان توضیح دادم. یکی دو ساعت پیش پنجاهمین خبرنگار جنگی را در یک ماه اخیر، بمباران کردید! می‌خواستم یک مقدار اطلاعات تکمیلی بگیرم.

- اولا که ما اصلا خبرنگار نکشتیم. یک دانه شیرین ابوعاقله بود که آن را هم ما نکشتیم. حماس کشت انداخت گردن ما. الان هم ما خبرنگاری نکشتیم. اینها همه دروغ‌های روزنامه‌های کشور شماست. در ضمن یک شعری هم هست که بد نیست با هم بخوانیم؛ حالا که رسید به پنجاه، فشار نمیاد به هیچ جا! صد تا را هم بزنیم صدای کسی بلند نمی‌شود. جنگ است اخوی. ما بدون تبعیض جنسیتی یا شغلی بمباران می‌کنیم. دیگر بقیه‌اش دست خداست. ما فقط وسیله‌ایم.

راست می‌گوید طفلک. عمر دست خداست. بقیه بهانه است رفقا. آخر سر نفهمیدم این بنده خدای پنجاهم چطوری کشته شد! هواپیما بود؟ موشک بود؟ آقایان اراذل و اوباش ترکیبی زده بودند؟ جوابش خیلی شفاف نیست. خیلی هم فرقی نمی‌کند. زدند دیگر. مثل ۴۹ تای دیگر. تا امروز این همه خبرنگار یک جا کشته نشده بود. دست‌کم نه در این بازه زمانی کوتاه.

۲. سرچ می‌کنم، به انگلیسی؛ مرگبارترین جنگ ممکن برای خبرنگاران کدام بوده؟ آمار حیرت‌انگیز است! جنگ ویتنام با ۲۰ سال سابقه طول کشیدن ۶۳ خبرنگار کشته شده دارد. جنگ جهانی دوم ۶۹ تا. هرطور حساب می‌کنم اسرائیلی‌ها برای رسیدن به این رکورد کار دشواری ندارند. یکی دو هفته بمباران کنند، به راحتی صدر رنگ را مال خودشان می‌کنند. عین آمار گل‌های زده ملی فیفا شده. علی دایی جایش را به رونالدو داد. مسی هم در حال تلاش برای رسیدن است! به نظرم باید یک سندیکایی در دنیا باشد که نگذارد حق اسرائیل پایمال شود. برای رسیدن به این آمار در این مدت زمانی کوتاه، کم زحمت نکشیده‌اند. می‌دانی بمباران کردن یک منطقه مسکونی بی‌دفاع به صورت شب و روز چقدر کار دشواری است؟ می‌دانی هواپیما با چهار تا بمب هزار پوندی برود بدون چهارتا بمب هزار پوندی برگردد، چند نفر جزغاله شده‌اند؟ می‌دانی چقدر مهارت می‌خواهد که از بین آن همه ساختمان سوخته بتوانی آمبولانس یا بیمارستان را بزنی؟ آن هم وقتی نه ضدهوایی به سمتت شلیک می‌کند نه موشکی به سمتت پرتاب می‌شود و نه نیروی هوایی دشمن برای دفاع از جان شهروندانش به هوا بلند می‌شود. نیروی هوایی‌شان کجا بود؟ آنجا آسمان خالی است. گاز بده خلبان و بمب‌هایت را پرتاب کن! هنوز ۱۹ خبرنگار تا جنگ ویتنام فاصله داریم. ۵۰ تا خبرنگار برای بمباران یک شهر کم است. ۵۰ تای دیگر را هم بکشید که حق مطلب ادا شود و به صدر رنکینگ مرگبارترین جنگ دنیا برای خبرنگاران تبدیل شوید.

کمی سرچ می‌کنم ببینم چه خبر است: «سازمان گزارشگران بدون مرز اعلام کرد که در سال ۲۰۲۰ میلادی ۵۰ خبرنگار در سراسر جهان کشته شدند.» همه‌اش ۵۰ تا؟ مسخره کردید ما را؟ در کل دنیا فقط ۵۰ خبرنگار در سال ۲۰۲۰ کشته شده‌اند؟ رکورد به زودی دست صاحبش می‌افتد. بگذارید دو سه هفته دیگر بمباران‌ها ادامه پیدا کند. کسی به گرد پای ارتش دلاور و خبرنگارکش اسرائیل نخواهد رسید. کمی صبر کنید. کمی فقط! به اندازه چند بمباران هوایی دیگر! تا چند روز پیش الجزیره گزارش داده بود ۳۹ خبرنگار کشته شده‌اند. مطلب برای نهم نوامبر است! الان که این مطلب را می‌نویسم سیزدهم نوامبر است. نوامبر خونین! ۵۰ خبرنگار تا الان! ۵۰ دیگر در راه! آمار آن ۳۹ خبرنگار اشاره شده در گزارش الجزیره این طوری بود. ۳۵ فلسطینی، چهار اسرائیلی و یک لبنانی. آمار رسیده به ۵۰ را باید از منظر جنسیتی و ملیتی آپدیت کنند که آدم بتواند درموردش درست تحلیل کند. ۵۰ جان! ۵۰ نفر در تحریریه‌های مختلف. یکی فیلمبردار. یکی عکاس. یک خبرنگار. یکی هر سه تایش. احتمالا همه مشغول و درگیر همین مزخرفات شغلی! هرم وارونه و لیدهای خونین و سردبیرهای سختگیر و حقوق بخور و نمیر. منابع خبری نامرد و خوانندگان غرغرو و کرایه خانه. تهش هم گلوله‌ای بخوری و خلاص! یا با موشک بزنندت! یک لحظه این فکر آمد به سرم که فرقی هم می‌کند؟ اینکه چطوری کشته شوند؟ اینکه تک‌تیرانداز بزند شان یا اتفاقی بروند روی مین یا منفجر شوند، آن دنیا برایشان تفاوتی ایجاد می‌کند؟ حتی نمی‌توانم برای این حرف جوابی پیدا کنم. آن هم منی که قرار است احتمالا روی تختم بمیرم. برای من همچنان دشوار است که بفهمم قصه خبرنگاران کشته شده در غزه را چطور باید روایت کرد. اگر می‌شد به این ۵۰ تا تسلای خاطری بدهم، فقط یک چیز بود. از شر لید زدن راحت شدید. از ممیزی مطلب نجات پیدا کردید. از عوض کردن تیترتان دیگر خبری نخواهد بود. حالا تیتر شمایید! تیترهای جاودانه بدون تغییر!

سه‌شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY